

زمینه‌های ژئوپلیتیک تحول در سیاست خارجی ترکمنستان

جهانگیر حیدری (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

jahanheydari@yahoo.com

چکیده

رویکردهای فعال‌سازی/خاموش‌سازی در ژنگان سیاست خارجی کشورها وجود دارد. ژنوم‌های جغرافیای پایه با رویکردهای دوگانه ژئوپلیتیک یا ژئوپاسیفیک، فعال‌سازی می‌گردند. در رویکرد ژئوپاسیفیک، بازیگران تلاش دارند هویت سیاسی خود را در عرصه بین‌المللی مبتنی بر عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ایفای نقش میانجی منازعات منطقه‌ای، اتخاذ راهبردهای تنش‌زدا، پذیرش اصل همکاری‌های متقابل بر اساس منافع مشترک، شکل دهند؛ در حالی که، در رویکرد ژئوپلیتیک، دستیابی به منافع بر اساس اصل رقابت پیگیری می‌گردد. در هر دو رویکرد، ژنوم‌های زایل‌کننده قدرت ملی، غیرفعال می‌گردند. ترکمنستان از جمله کشورهایی است که پویای ژئوپلیتیک فراتر از واقعیت‌های جغرافیایی داشته است؛ زیرا، با گرفتاری‌های ژئوپلیتیک (محصورشدگی در خشکی، فقدان تاریخ مستقل سیاسی، سیطره پیشینی نظام کمونیستی و فقدان عمق استراتژیک) مواجه است، اما توانسته در سیاست خارجی، کنش‌هایی کامروا داشته باشد. در این مقاله، کوشش می‌شود چهره نوین سیاست خارجی ترکمنستان، بر اساس سازه مفهومی ژنوم ژئوپلیتیک، واکاوی شود: شناخت پتانسیل‌های اقتصادی و فعال‌سازی ژنوم‌های جایگاه‌یابی در اقتصاد سیاسی جهان، مسیرسازی برای انتقال انرژی، شناخت و فعال‌سازی پتانسیل‌های ژئوکالچر، شناخت موقعیت ژئواستراتژیک و اتخاذ راهبردهای تنش‌زدا در عرصه سیاست خارجی.

کلیدواژه‌ها: ترکمنستان، ژنوم ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، ژئوپاسیفیک، فعال‌سازی، خاموش‌سازی.

بیان مسأله

جان کلام ژئوپلیتیک، رابطه قدرت سیاسی با محیط جغرافیایی است. حقایق جغرافیایی مورد توجه دست‌اندرکاران سیاست خارجی کشورها هستند (Yazdani, 2011: 181). هدف بازیگر ژئوپلیتیک، قلمروسازی برای گسترش حوزه نفوذ است. ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی کارآمد، بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به‌وجودآمده از موقعیت‌های درحال تحول منطقه‌ای و جهانی، تأکید دارد. ژنوم ژئوپلیتیک سیاست خارجی یک کشور، به دو صورت فعال‌سازی و خاموش‌سازی، قادر به راهبری سیاست خارجی کشورهاست. ژنوم‌ها تحت شرایطی (دیپلماسی، لیاقت، کارایی و مهارت دیپلماتیک و ورزیدگی سیاسی دولتمردان و شهروندان، خرد رهبری و نخبگان سیاسی، دیکته سیاسی یک قدرت منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای، فضای استراتژیک حاکم بر منطقه، نوع نظام‌های سیاسی، تأثیرپذیری از پخش فرآیندهای سیاسی) با رویکردهای ژئوپلیتیک یا ژئوپاسیفیک فعال می‌گردند. در هر دو رویکرد، ژنوم‌های زایل‌کننده قدرت ملی کشورها، غیرفعال می‌گردند.

ژنوم، تمامی مواد ژنتیک یک ارگانیسم است (Dusel, 2012: 230). ژنوم ژئوپلیتیک، توانمندی‌های بالقوه یک کشور است. همان‌طور که ژنومیک، بررسی صدها و شاید هزاران واکنش ژنتیک همزمان برای شناسایی علل اصلی بیماری‌ها و شناخت طرز کار یک ارگانیسم است؛ فعال‌سازی و خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک نیز، آن‌دسته از سیاست‌های متخذه به پشتوانه توان‌های جغرافیایی و انسانی کشورها می‌باشد که تحت تأثیر عوامل پیش‌گفته، خاموش یا فعال می‌گردند. مطالعه ژنوم‌های ژئوپلیتیک و کنترل نوع و کیفیت فعالیت آن‌ها، موجب واکنش‌شدن کشور و جلوگیری از گسترش حوزه نفوذ و قدرت اثرگذاری دیگران در داخل کشورها می‌گردد. با شناسایی ژنوم‌های ژئوپلیتیک، می‌توان از فعالیت آن ژنوم‌ها در راستای تبدیل به کدهای ژئوپلیتیک کشورها رقیب جلوگیری کرد. نیز، در راستای توسعه حوزه نفوذ و مرزهای ژئوپلیتیک کشور، می‌توان آن ژنوم‌ها را به منابع تولید اقتدار تبدیل نمود.

ترکمنستان از منظر توسعه سیاسی، عقب‌مانده است. پس از فروپاشی شوروی، انگیزه قدرت‌های بزرگ برای نفوذ، فزونی گرفت. علاوه بر روسیه که در منطقه دارای نفوذ سنتی

است و آمریکا و اروپا که از سال‌های اولیه پس از فروپاشی در منطقه فعال هستند، چین نیز در آسیای مرکزی سیاست اقتصادی فعالی را در پیش گرفته است (Ataee, 2010: 100). در دهه ۱۹۹۰ با توجه به محدودیت‌های زیرساختی ترکمنستان و انحصار انتقال گاز توسط روسیه، ترکمنستان، نقش منفعل و پیرو سیاست روسیه داشت (Kulaee, 2010: 115). سیاست خارجی ترکمنستان در دوران پس از استقلال حکایت از آن داشت که این کشور نه‌مانند دولت‌های رانتیری لیبی، عربستان و عراق، داعیه گسترش نفوذ خود در منطقه و جهان به‌عده گرفتن رهبری آسیای مرکزی را در سر می‌پروراند و نه چون کشورهای کوچک خلیج فارس با انعقاد قراردادهای پرشمار امنیتی خود را تحت‌الحمايه قدرت‌های بزرگ قرار داد (Ataee, 2010: 105). سیاست خارجی ترکمنستان پس از استقلال، بر پایه بی‌طرفی قرار گرفت. این منطقه به‌دلیل قدمت تاریخی و میراث جاده ابریشم، منابع غنی انرژی و پل ارتباطی بین آسیا و اروپا، مورد توجه قرار گرفت. اما، ترکمنستان در زمان ریاست‌جمهوری نیازآف، به یک کشور منزوی تبدیل شد. در بخش اقتصادی و انرژی وابستگی به مسکو مشهود بود؛ به‌صورتی که شاخص اصلی اقتصاد انرژی ترکمنستان در دوره نیازآف، همچنان وابسته به مسکو بود (Helen, 2003: 188). ترکمنستان در دوره نیازآف در جذب سرمایه‌های خارجی نیز موفق نبود. بنابراین در دوران ریاست‌جمهوری وی، برنامه اصلاحات اقتصادی و خصوصی‌سازی، رشد محدودی داشت و تنها در سیستم مالیاتی و مدیریت زمین‌های کشاورزی، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کسب نمود (Alipour, 2009: 92). ترکمنستان با اقتصادی رانتی و وابسته به صادرات گاز طبیعی پس از استقلال از شوروی تحت رهبری نیازآف به‌صورت غیرمردم‌سالار اداره شد (Ataee, 2010: 97)، به‌صورتی که در دسامبر ۱۹۹۹، دوره ریاست‌جمهوری نیازآف، مادام‌العمر اعلام شد (Kulaee, 2010: 165). در ۱۹۹۳ در ترکمنستان برنامه‌ای با نام «شکوفایی ده‌ساله» تدوین شد که مدتی بعد نام آن به «ثبات ده‌ساله» تغییر کرد. هدف این برنامه، تدارک رایگان کالاهای عمومی از قبیل برق و گاز برای همه شهروندان بود (Ganzi, 2004: 162).

ترکمنستان کشوری است که در عرصه سیاست خارجی، رفتارهای ژئوپلیتیک فراتر از واقعیت‌های جغرافیای سیاسی خود داشته است. ترکمنستان با گرفتاری‌های ژئوپلیتیک پرشمار،

مواجه است، اما توانسته است در سیاست خارجی، در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، کنش‌هایی فراتر از واقعیت‌های خود را به نمایش بگذارد. با به‌قدرت‌رسیدن بردی‌محمداف، اولین اقدام مهم در راستای دستیابی به یکی از اهداف دیرینه، یعنی افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی صورت گرفت. دولت در یکم ژانویه ۲۰۰۸ به چند بانک اجازه داد تا شعبه ارزی خارجی تأسیس کنند. این دست اقدامات تا حدودی موفقیت‌آمیز بودند، زیرا آمارها از افزایش میزان جذب سرمایه‌های خارجی در ۲۰۰۸ حکایت دارد. در بخش انرژی، ترکمنستان در این سال بالغ بر ۲٫۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب نمود (Alipour, 2009: 93). ترکمنستان در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۲/۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی را برای افزایش تولید و صادرات گاز خود جذب نمود. در اوایل ۲۰۱۰، شرکت ملی گاز ترکمنستان طراحی و ساخت تأسیسات فنی و مهندسی توسعه و بهره‌برداری از حوزه‌های گازی به ارزش ۲ میلیارد و ۱۲۸ میلیون دلار و طراحی و ساخت پالایشگاه گاز از مواد گوگردی به ظرفیت ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز و نیز احداث تأسیسات صنعتی گازی برای تهیه ۲۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال به ارزش ۳ میلیارد و ۹۷۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به کنسرسیومی متشکل از چین، کره و امارات متحده عربی واگذار کرد (Ataee, 2010: 98). بخش انرژی نیز، با هدف کاهش وابستگی به مسکو، مورد توجه قرار گرفت. در ۲۰۰۶ اولین قراردادها بین چین و ترکمنستان به امضا رسید. هرچند مسیر شرقی که چین به دنبال آن بود تهدیدی را متوجه بازار اصلی روسیه (اروپا) نمی‌کرد، اما متنوع‌شدن گزینه‌های صادرات ترکمنستان، دست این کشور را برای مانور در مقابل روسیه باز نمود. همچنین، خط لوله دوم صادرات گاز ترکمنستان به ایران در ششم ژانویه ۲۰۱۰ به بهره‌برداری رسید. اعلام آمادگی ترکمنستان برای مشارکت در خط لوله ناباکو، از دیگر مقدمات خیز اقتصادی ترکمنستان شد. بنابراین، از جایگاه کشوری وابسته به روسیه، به جایگاه یک شریک هم‌سطح از نظر سیاسی و دیپلماتیک، ارتقاء یافت (Kulace, 2010: 116). نوسازی بخش انرژی ترکمنستان از دیگر اهداف بردی‌محمداف بود. ورود سرمایه‌های خارجی به این بخش در چند سال اخیر افزایش داشت. شرکت ملی نفت

ترکمنستان حفر چاه‌های جدید نفت و گاز در میدان‌های نفتی و گازی این کشور را به مناقصه بین‌المللی گذاشت (<http://iraneurasia.ir>).

از دیگر تغییرات محسوس در امور داخلی و خارجی کشور ترکمنستان به‌وسیله بردی محمداف، که بسیاری از آن‌ها مخالفت آشکار با سیاست‌های نیازآف است می‌توان به حذف تصویر نیازآف از اسکناس‌های ترکمنستان، حذف لقب ترکمن‌باشی، سخن‌گفتن از به‌تاریخ پیوستن اصل بی‌طرفی دائم ترکمنستان (از شعارهای همیشگی نیازآف)، تغییر سرود ملی، برکناری تعداد زیادی از وزیران قدیمی اشاره نمود (Ataee, 2010: 101). در سپتامبر ۲۰۰۷ بردی محمداف پایان سیاست انزوای خودخواسته کشور را اعلام کرد؛ ترکمنستان بیشتر در مجامع بین‌المللی حضور یافت و برای نخستین بار رئیس‌جمهور در نشست شانگهای ظاهر شد (Kulaee, 2010: 360). ترکمنستان با حذف بی‌طرفی دائم از قانون اساسی خود پیامی به همه کشورها فرستاد و آمادگی خود را برای حضور در روابط بین‌المللی اعلام کرد. ترکمن‌ها امیدوارند با حفظ ساختار حاکمیت خود، با کشورهای بزرگ جهان وارد تعامل شده و خود را از کشوری جدا افتاده در آسیای مرکزی به مرکز توجه دنیا در آسیای مرکزی تبدیل کنند. بستن قرارداد بلندمدت گازی با گازپروم و نیز آغاز بحث‌هایی در مورد حضور نیروهای غیرنظامی ناتو برای پشتیبانی نیروهای ائتلاف در افغانستان در کنار تحت فشار قراردادن ایران، همگی نشانه‌هایی از تغییر رویکرد در سیاست خارجی ترکمنستان است (Ataee, 2010: 108).

در این مقاله، کوشش می‌شود چرایی و چگونگی کنش‌های سیاست خارجی ترکمنستان، بر اساس سازه مفهومی ژنوم ژئوپلیتیک، واکاوی گردد؛ زیرا، به نظر می‌رسد پویش‌های این کشور در فعال‌سازی نهفته‌های ژئوپلیتیک، بسترساز وضعیت مقبول ترکمن‌ها در عرصه جهانی شده است. پیشینه این تحقیق، چند مقوله‌ای است: ژنوم ژئوپلیتیک، ترکمنستان و سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه. در قالب سازه مفهومی «ژنوم ژئوپلیتیک»، تاکنون مقاله‌ای بدین سیاق نگاشته نشده است. در زمینه سیاست خارجی ترکمنستان، نوشتارهای کولایی، ۱۳۸۹؛ عطایی و عزیززی، ۱۳۸۹؛ عطایی و شجاعی، ۱۳۸۹؛ زین‌العابدین و صابر، ۱۳۹۱؛ Anceschi, 2009; Overland & Oslo, 2009; Sir, 2006; Rianovosti, 2010 و در زمینه

سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه موفق نیز نوشتارهایی می‌توان یافت: فیضی، ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۲؛ شیرزادی، ۱۳۸۹؛ Bang & J. Mckibbin, 2005؛ اسدی، ۱۳۹۰؛ نادری قطب‌الدینی، ۱۳۸۲؛ اصغری‌ثانی، ۱۳۹۲.

ژنوم ژئوپلیتیک

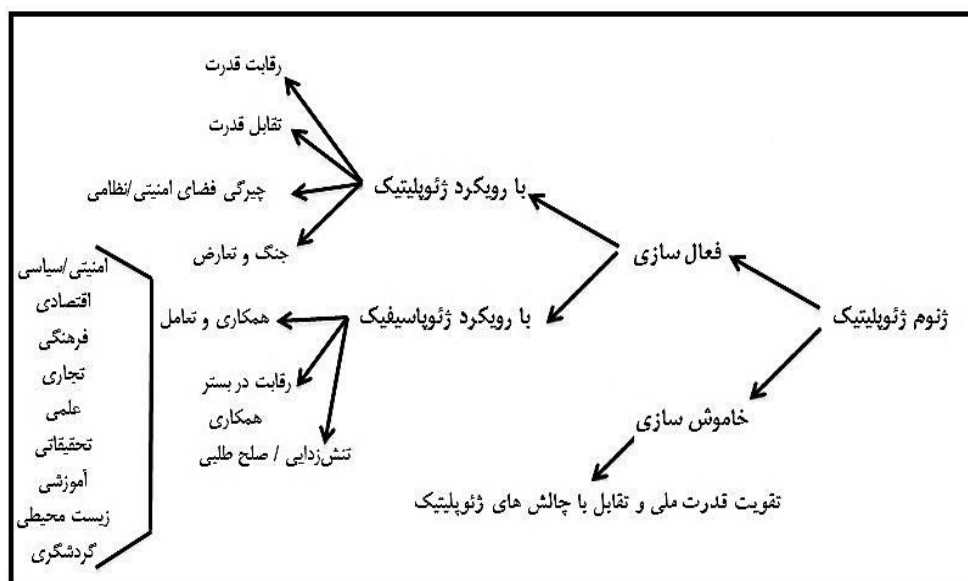
بدن انسان از تریلیون‌ها سلول تشکیل شده است. سلول‌ها از نظر شکل و اندازه با هم متفاوت هستند ولی هر کدام از آن‌ها هسته‌ای دارند که حاوی ژنوم آن است. پروژه ژنوم انسان معلوم ساخته است که به‌طور متوسط در تمام انسان‌ها ردیف ژن‌ها ۹۹٫۹ درصد شبیه هم هستند، فقط ۰٫۱٪ از رمز ژنتیک انسان مربوط به هویت ژنومیک منحصر به فرد هر شخص است. با در نظر گرفتن این که ژنوم انسان از ۳ میلیارد جفت باز تشکیل شده است، همین ۰٫۱٪ نیز اهمیت دارد؛ چراکه تفاوت‌های ژنومیک بین افراد، عامل تنوع خصوصیات جسمانی است که اکنون در بین بسیاری از مردم جهان می‌بینیم (dusel, 2012: 73). ژن‌ها تمامی اطلاعات مربوط به ساخت پروتئین‌های مورد نیاز هر موجود زنده را دارند (Jack, 2005: 17). این پروتئین‌ها تعیین می‌کنند که موجود چه‌طور به‌نظر برسد و متابولیسم بدنش یا دفاع در مقابل عفونت و حتی رفتارش چگونه باشد. ژنوم دستورالعمل‌های ارثی برای ساخت، پیشبرد و نگهداری یک موجود زنده است؛ ژنومیک، مطالعه جامع اطلاعات ژنتیک یک موجود زنده است. وظیفه ژن‌های خاص، اثر یک ژن روی دیگری و فعال‌سازی و متوقف‌سازی ژن‌ها، از زمینه‌های مطالعات ژنومیک است (AleMohammad, 2008: 36). ژن‌هایی که به‌طریق منفی کنترل می‌شوند، اگر به‌وسیله پروتئین بازدارنده خاموش نشوند، بیان می‌گردند. هر فعالیتی که از تجلی ژن جلوگیری می‌کند، می‌تواند تنظیم منفی به‌وجود آورد. تنظیم منفی، مکانیزمی است که به‌واسطه آن قسمتی از مولکول دچار نقص عمدی می‌شود (Levin, 2004: 34). ژنوم ژئوپلیتیک یا نقشه ژنگان یک کشور، از جانب کشورهای رقیب به‌عنوان کدهای ژئوپلیتیک قلمداد گشته و برنامه‌های سیاست خارجی یک کشور نسبت به کشور هدف را راهبری می‌نمایند. یعنی یک کشور بر اساس نقشه ژنگانی خود، سیاست خارجی‌اش را سازمان‌دهی

می‌کند و کشور رقیب باتوجه به کدهای ژئوپلیتیک موجود در آن کشور، سعی بر خنثی‌سازی سیاست‌های خارجی آن کشور دارد. کشورها بر اساس ژنوم‌های ژئوپلیتیک منحصر به فرد خود، دارای یک شخصیت سیاسی و طیفی از توان تأثیرگذاری در عرصه سیاست خارجی هستند. به منظور رویارویی با چالش‌های ژئوپلیتیک برخاسته از بافت انسانی و جغرافیایی کشور، اتخاذ راهبردهایی به منظور خنثی‌سازی و خاموش‌سازی آن‌ها، ضروری است.

مدل ۱- رویکردهای دوگانه فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک

مأخذ: نگارندگان

Source: Authors

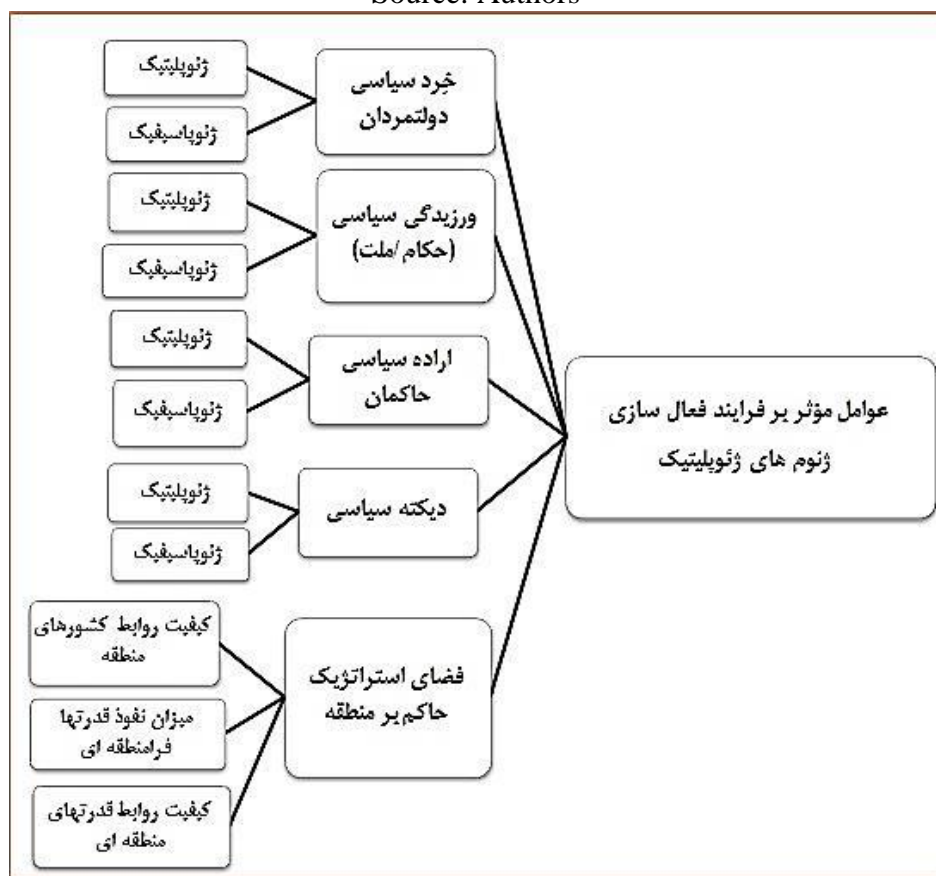


سیاست داخلی بستر سیاست خارجی است. دولت به‌عنوان بازیگر در جریان مذاکره با سایر دولت‌ها در راستای دستیابی به منافع ملی، باید رضایت ملت را پشتوانه عمل سیاسی خود در عرصه سیاست خارجی قرار دهد. حکومت‌ها می‌توانند با فعال‌نمودن ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زا، رضایت ملی را در راستای عمل سیاسی خود در عرصه سیاست خارجی فراهم نمایند. کارآیی دیپلماتیک، اراده سیاسی و شخصیت روانی حکام، فضای استراتژیک حاکم بر منطقه، دیکته سیاسی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، در فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی مؤثرند.

مدل ۲- عوامل مؤثر بر فعال‌سازی/خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک

مأخذ: نگارندگان

Source: Authors

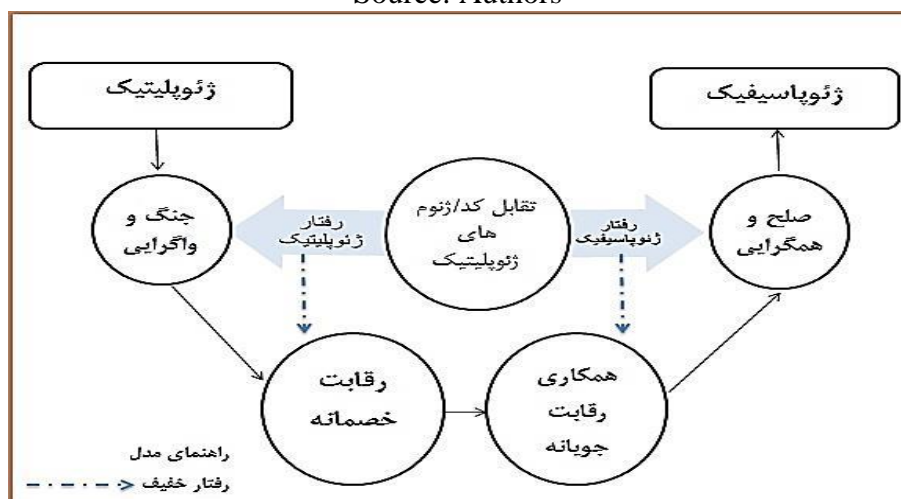


کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کدهای ژئوپلیتیک هر کشور اختصاصی آن می‌باشد و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به منافع و اهداف خود بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر گذاشته و آن‌را هدف بگیرند. نقشه‌زنگان یک کشور به‌عنوان کدهایی ژئوپلیتیک از جانب کشورهای رقیب قلمداد گشته و برنامه‌های ذهنی سیاست خارجی یک کشور نسبت به کشور هدف را راهبری می‌نمایند.

مدل ۳- تقابل کد/ژنوم‌های ژئوپلیتیک و بروز رفتارهای دوگانه (ژئوپلیتیک/ژئوپاسیفیک)

مأخذ: نگارندگان

Source: Authors



ویژگی‌ها و ظرفیت‌های محیطی ترکمنستان

موقعیت ترکمنستان در آسیای مرکزی اهمیت فراوان دارد، از منابع عظیم زیرزمینی به‌ویژه گاز برخوردار است و دروازه ورود کشورهای خارجی به آسیای مرکزی به حساب می‌آید؛ نیز، کانال ارتباطی این منطقه با جهان خارج است (Zeinalabedin, 2013: 113). پس از فروپاشی شوروی، این کشور کمتر از دیگر همسایگان با رکود اقتصادی روبرو شد. درآمدهای این کشور از فروش نفت و گاز توانست تا حدودی بر بحران‌ها غلبه کند (Kulace, 2010, 162). موقعیت جغرافیایی ترکمنستان امتیاز ویژه‌ای برای این کشور محسوب می‌شود، زیرا دیگر کشورهای آسیای مرکزی تنها از طریق افغانستان و قسمت غربی چین با جهان خارج از روسیه در ارتباط‌اند، درحالی‌که ترکمنستان ضمن دوربودن از روسیه، از طریق ایران می‌تواند با آب‌های آزاد جهان، خاورمیانه، پاکستان و ترکیه رابطه برقرار کند. این ویژگی سرزمینی ممتاز ترکمنستان شرایط بهینه‌ای برای آن فراهم می‌کند، زیرا هم می‌تواند به‌راحتی به خلیج فارس و اقیانوس هند راه یابد و هم برای سایر کشورهای آسیای مرکزی، روزنه‌ای باثبات برای خروج از

محصول بودن در خشکی به‌شمار آید (Pourmehrani, 2009: 104). موقعیت جغرافیایی ترکمنستان باعث شده است این کشور به دروازه آسیای مرکزی تبدیل گردد. واقع شدن در مسیر جاده ابریشم که خاور دور را به اروپا وصل می‌کند و مجاورت با دریای خزر امکان ارتباط با خلیج فارس و اقیانوس هند از طریق ایران و پاکستان را فراهم می‌کند.

توان‌مندی‌های ژئوکالچر ترکمنستان

ژئوپلیتیک بدون پشتوانه فرهنگ نمی‌تواند جهانی‌سازی از درگیری‌های سیاسی فراهم کند (Mottagh et al., 2013: 69). فرهنگ از مقومات مهم قدرت ملیست که کشورها را در تأمین منافع ملی یاری می‌دهد. روابط فرهنگی کوششی سازمان‌یافته برای تأثیرگذاری بر ایستارهای یک کشور در جهت تأمین اهداف است (Dehghani, 2006: 123). آثار فرهنگی کشورها از نظر جغرافیایی بیانگر سابقه تاریخی نیاکان انسان‌های ساکن در قلمرو دولت است. سرزمین کنونی ترکمنستان، از پیشاتاریخ مسکون بوده است؛ از ۶ هزار سال پیش در دریاچه‌ی آشئق‌گل، سیردریا و جیحون (Geography of Turkmenistan, 2011: 30). این کشور به‌دلیل نقش ارتباطی‌اش بین فضاها، جغرافیایی پیرامونی، توانسته است صاحب آثار باستانی گردد. در بین شخصیت‌ها، مختوم‌قلی، دولت‌محمد آزادی، ملانفس و بایرام‌خان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. مرو دارای بناهای قدیمی مقبره سلطان‌سنجر سلجوقی و نیز خواجه‌یوسف همدانی است. اورگنج که در شمال شرقی ترکمنستان قرار دارد از دیگر موارد است که مشهورترین آثار آن، مقبره ایل ارسلان، قلعه سفید، مناره مسجد جامع، مقبره همسر امیر تیمور، مقبره نجم‌الدین کبری و مقبره پیریاری ولی است (Hafeznia, 2003: 120). ایجاد موزه ملی ترکمنستان، از اهمیت بالایی برخوردار است. دولت‌مردان ترکمنستان راهبردهای مناسبی را برای فعال‌سازی این ژنوم اتخاذ کرده‌اند؛ مانند، فعال‌سازی نمادهای فرهنگی.

در ژئوکالچر فرآیند قدرت فرهنگی، مورد توجه است (Mottagh et al., 2013: 75). راهبرد فعال‌سازی نمادهای فرهنگی دلیلی هم دارد؛ چراکه، نماد، انسان را به فراخنای تفکر بدون گفتار

می‌کشاند (Behzadi, 2001:52). نماد، بیانگر مفاهیم فرهنگی و تاریخی برجسته‌ای است که از طریق آن‌ها می‌توان به افکار گذشتگان پی برد (Dehshiri, 2009:193). مشاهده نماد یک سرزمین در اذهان دیگر فرهنگ‌ها، در سطح جهان نیز تأثیرگذار است. یک نماد علاوه بر این که در محدوده ملی یک سرزمین شناخته شده است، در سطح جهانی نیز عامل تفکیک از سایر فرهنگ‌هاست؛ چراکه، نمادها تبدیل به یک نشانه از سرزمین یا فرهنگ خاص می‌شوند (Fayyaz et al., 2011:106). با توجه به پتانسیل بالای کشور ترکمنستان، دولت‌مردان این کشور در راستای پرورش و گسترش نمادها و نشانگان فرهنگی این کشور اقدام نموده‌اند: نام‌گذاری تئاتر مهم شهر عشق‌آباد به نام ملانفس که از ادیبان برجسته ترکمن بوده است؛ به‌کارگیری سبک معماری سنتی در کاخ ریاست‌جمهوری، مجلس و دیگر ساختمان‌های مهم، تأسیس موزه‌های سازمان‌دهی شده، ساخت مسجدی بزرگ به‌عنوان یادمان حماسه ترکمنستان در جریان حمله سال ۱۸۸۱. دولت‌مردان ترکمن پس از استقلال، اوضاع فرهنگی کشور را دگرگون کردند؛ قطع وابستگی فرهنگی به روسیه و کوشش برای شناساندن فرهنگ ملی جامعه به مردم: کاهش مدت پخش برنامه‌های تلویزیون روسیه و جایگزینی آن با برنامه‌های تلویزیون ترکمنستان، عدم توزیع نشریات و مطبوعات روسی در سطح وسیع، رسمیت بخشیدن به زبان ترکمنی در قانون اساسی به‌جای زبان روسی، شناسایی شخصیت‌های فرهنگی ترکمن (مختوم‌قلی، سیدنظری سیدی، زلیلی) و معرفی آن‌ها به‌عنوان سمبل‌های یکپارچگی خلق ترکمن، تکیه بر اصالت آداب و سنن بومی، احیای رشته‌های مختلف هنر ترکمنی (موسیقی، آواز، رقص و صنایع دستی). اکنون، فرهنگ بومی ترکمن از حالت ضعف خارج، و گرایش عمومی جامعه به فرهنگ بومی بیشتر شده است (Geography of Turkmenistan, 2011:34).

هویت ملی مبنایی تمدنی دارد و با عناصر مشترک نظیر زبان، تاریخ، مذهب، آداب و رسوم و نهادهای اجتماعی، و تصور ذهنی افراد ملت از خود، مشخص می‌شود. تداوم دولت ترکمنستان موکول به وجود هویت ملی و وجود مقتضیات منطقه‌ای و بین‌المللی همسو با بقای دولت است. برپایه همین ادراک است که دولت ترکمنستان به‌دنبال ساماندهی و برجسته‌سازی عناصر بنیادین هویت ملی است (Hafeznia, 2003:113). یکی از پیامدهای استقلال ترکمنستان، واریسی

رویدادهای تاریخی این کشور بود؛ چراکه باورهای رایج در مورد تاریخ ترکمنستان و توسعه اقتصادی و فرهنگی آن در دوران شوروی به چالش کشیده شد (Department of Justice, 1993:2). دولت به منظور تعریف هویت ملی ترکمنستان به عنوان رکن اساسی بقای ملت و دولت، اقدامات مختلفی را انجام داد: تأسیس موزه ملی، کتابخانه ملی، انستیتو ملی نسخ خطی، توسعه زبان ملی، پژوهش‌کنده میراث فرهنگی (Hafeznia, 2003:114). به عنوان مثال حماسه‌ای که در اثر حمله روس‌ها در ۱۸۸۱ در شهر گوگ‌تپه رخ دارد و مقاومت سرسختانه ترکمن‌ها را در هم شکست و منجر به قتل عام بی‌رحمانه ۱۵ هزار نفر از ترکمن‌ها گشت، پس از استقلال ترکمنستان فراموش نشد و یادمان آن به صورت ساخت مسجد با عظمتی در گوگ‌تپه تجلی پیدا کرد. ملقب نمودن مختوم‌قلی خان به عنوان پدر ادبیات ترکمن و برگزاری یادواره او با حضور مقامات از چنین کنش‌هایی است (Ibid:118).

پتانسیل‌های اقتصادی کشور ترکمنستان

ترکمنستان کشوری صحرایی است با کشاورزی فشرده در دشت‌های قابل آبیاری و دارابودن منابع معتدبه نفت و گاز (www.indexmundi.com, 2013). عملکرد اقتصادی ترکمنستان وابسته به فرآوری گاز طبیعی، نفت و پنبه می‌باشد که بیش از ۸۰ درصد از صادرات و بیش از ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل داده‌اند. بازسازی وضعیت اقتصادی کشور زمینه‌ساز افزایش درآمد حاصل از صادرات شد و توازن مثبت در تجارت پدید آمد و تا ۲۰۰۵ صادرات گاز یک‌سوم از کل صادرات کشور ترکمنستان را شامل شد (Turkmenistan Country Report, 2012:11). برنامه‌های حمایتی از بخش کشاورزی موجب رونق این بخش گردید. امروزه ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور متعلق به بخش کشاورزی است و نزدیک به نیمی از نیروی کار در بخش کشاورزی مشغول می‌باشند (www.indexmundi.com, 2013). رشد ۱۰٫۲ درصدی اقتصادی در ۲۰۱۳ که به قوت خود باقی ماند، حکایت از سرمایه‌گذاری‌های عمومی بالا و عملکرد قوی در بخش‌های تولیدی دارد. بخش صنعت که حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود در ۲۰۱۳ رشد

۸,۶ درصدی داشته؛ درحالی که میزان رشد آن در ۲۰۱۲، ۷,۳ درصد بوده است. بخش خدمات در ۲۰۱۳ رشد ۱۴,۷ درصدی را تجربه کرده؛ درحالی که این میزان در ۲۰۱۲، ۱۳,۹ درصد بوده است. همچنین در بخش کشاورزی در ۲۰۱۳ میزان رشد به ۱۰ درصد رسید درحالی که در سال ۲۰۱۲، ۸ درصد بوده است (Asian Development Outlook, 2014: 121).

جدول ۱- شاخص‌های اقتصادی ترکمنستان

<http://www.economywatch.com>

ترکمنستان / شاخص	مقادیر شاخص‌ها
تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت، پول ملی)	۴۰,۰۹۷ میلیارد TTM (واحد پول ملی)
رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت، پول ملی)	۷,۷۰۸ درصد در ۲۰۱۳
GDP (بر اساس قیمت کنونی، پول ملی)	۱۱۴,۶۳۷ میلیارد TTM (واحد پول ملی)
GDP (بر اساس قیمت کنونی، دلار آمریکا)	۴۰,۲۲۳ میلیارد دلار (۲۰۱۳)
نرخ تورم (میانگین تغییر قیمت مصرف‌کننده در ۲۰۱۳)	۵,۶۳۵ درصد
درصد تغییرات حجم واردات (محصولات و خدمات در ۲۰۱۳)	۱,۷۲۷ درصد
درصد تغییرات حجم صادرات (محصولات و خدمات در ۲۰۱۳)	۶,۵۶ درصد
ارزش واردات نفت ترکمنستان در ۲۰۱۳	۰ دلار
ارزش صادرات نفت ترکمنستان در ۲۰۱۳	۲۱,۵۵۸ میلیارد دلار آمریکا
جمعیت ترکمنستان در ۲۰۱۳	۵,۷۰۴ میلیون نفر
درآمد عمومی ترکمنستان در ۲۰۱۳	۲۳,۶۳۳ میلیارد TTM (واحد پول ملی)
درآمد عمومی دولت به نسبت GDP در ۲۰۱۳	۲۰,۶۱۶ درصد
هزینه عمومی دولت ترکمنستان در ۲۰۱۳	۱۵,۷۰۵ میلیارد TTM (واحد پول ملی)
هزینه کلی به نسبت GDP در ۲۰۱۳	۱۳,۶۹۹ درصد
مجموع خالص وام/قرض‌های دولت ترکمنستان در ۲۰۱۳	۷,۹۲۹ میلیارد TTM (واحد پول ملی)
مجموع خالص وام/قرض ترکمنستان به نسبت GDP	۶,۹۱۶ درصد
مجموع ناخالص بدهی دولت (پول ملی) در ۲۰۱۳	۱۸,۷۶۱ TTM (واحد پول ملی)
مجموع ناخالص بدهی دولت به نسبت GDP	۱۶,۳۶۶ درصد
تولید ناخالص داخلی سال مالی در ۲۰۱۳	۱۱۴,۶۳۷ TTM (واحد پول ملی)
مانده حساب جاری کشور در ۲۰۱۳	۱,۰۲۵ میلیارد دلار آمریکا
مانده حساب جاری کشور به نسبت GDP	۲,۵۴۸ درصد

گسترش صادرات گاز برای ترکمنستان، حیاتی است. عشق‌آباد مسیرهای جدید انتخابی همچون خط‌لوله ترانس خزر و پروژه TAPI را هم‌چنان حفظ خواهد کرد. به‌تازگی رئیس‌جمهور به‌طور غیرمنتظره‌ای اعلام کرد که ترکمنستان قصد پیوستن به سازمان تجارت جهانی را دارد. کارشناسان نسبت به این موضوع که آیا ترکمنستان پذیرفته خواهد شد یا نه، شک دارند. اما نشانه‌های مثبت، نشانگر این موضوع است که ترکمنستان آماده است تا به تدریج در اقتصاد جهانی ادغام شود (<http://www.iras.ir>). شاخص‌های اقتصادی ترکمنستان از کیفیت و کمیت بالایی در سطح جهانی برخوردار نیست، اما با اتخاذ فنون جایگاه‌یابی در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تلاش برای فعال‌سازی پتانسیل‌های اقتصادی، توانسته است خود را به‌عنوان بازیگر مطرح اقتصادی بشناساند.

جایگاه‌یابی در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل

اقتصاد سیاسی جهانی چارچوب فهم رویدادهای بین‌المللی و ملی است و دولت‌ها در این چارچوب به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی اقدام می‌کنند (Pourahmadi, 2011: 17). شناخت گفتمان حاکم بر اقتصاد جهانی، راهبرد اقتصادی متناسب با توانمندی‌ها و عنایت به دو مؤلفه اهداف و امکانات در تعیین اولویت‌ها، نقش مهمی در فرآیند توسعه ایفا می‌کند. هرچند منابع نفتی اثبات‌شده ترکمنستان قابل توجه نیست و از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، به میزان ۶۰۰ میلیون بشکه بوده است (OPEC, 2013: 22) اما این کشور در شمار چهار کشور برتر جهان است که دارای بیشترین ذخایر گاز طبیعی هستند. در سال ۲۰۱۲، ترکمنستان دارای ذخایر گاز طبیعی در حدود ۲۶۵ تریلیون فوت مکعب بود (www.eiu.com). همچنین ترکمنستان در زمینه صادرات گاز رتبه ششم جهان را دارد. البته کشف یک میدان جدید گازی در ترکمنستان در سال ۲۰۰۹، به‌نام «یولوتان جنوبی / عثمان»، اهمیت گاز ترکمنستان را بیش از پیش ساخت (Kulace, 2010: 108). ذخایر انرژی ترکمنستان به‌عنوان منبع اصلی درآمد در دوران پس از استقلال مورد توجه قرار گرفت. در سند توسعه‌ای که در ۱۹۹۳ برای افزایش رشد اقتصادی تدوین شد، تأکید اصلی بر جذب

سرمایه در بخش گاز این کشور بود (Kahveci,2003: 224). همچنین در سال ۱۹۹۶ قراردادی برای تأسیس یک شرکت مشترک برای صادرات گاز با روسیه به امضا رسید؛ شرکتی به نام «ترکمن روس گاز» که ۴۵ درصد سهم آن در اختیار گاز پروم روسیه، ۴ درصد در اختیار شرکت ایتر و ۵۱ درصد در اختیار شرکت نفت و گاز ترکمنستان بود (Kulaee,2010:114). جذب بازیگران جدید از دیگر راهکارهای سیاست خارجی ترکمنستان در عرصه انرژی بود. بازیگر جدیدی به نام چین وارد عرصه رقابت برای گاز ترکمنستان شد. در ۲۰۰۶ اولین قرارداد بین چین و ترکمنستان به امضا رسید که در ارتباط با احداث خط لوله گاز از ترکمنستان به غرب چین بود. سپس، قراردادهایی برای حفاری جهت استخراج نفت و گاز با چین امضا شد (Koolae & Tishehyar,2009: 10).

جدول ۲- میزان تولید نفت خام ترکمنستان (برحسب ۱۰۰۰ بشکه در روز)

مأخذ: OPEC,2013: 30

سال	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
میزان تولید	۲۰۲,۱	۱۸۸,۴	۱۸۰,۰	۲۰۰,۲	۲۱۸,۷

جدول ۳- میزان ذخایر، تولید و صادرات گاز طبیعی ترکمنستان ۲۰۰۸-۲۰۱۲

مأخذ: OPEC,2013:23-33

ترکمنستان	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
میزان ذخایر (میلیارد متر مکعب)	۳۰۰۰	۸۴۰۰	۸۳۴۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
میزان تولید (میلیون متر مکعب)	۶۶۱۰۰	۳۵۷۲۰	۴۱۶۱۰	۶۰۹۵۰	۶۴۸۹۰
میزان صادرات (میلیون متر مکعب)	۵۵۸۰۰	۲۹۹۰۰	۳۰۷۴۰	۳۶۸۶۰	۳۳۸۳۰

از زمان فروپاشی شوروی، روسیه مشتری عمده انرژی ترکمنستان است و مسیرهای اصلی خطوط لوله انرژی از روسیه به اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر است. چین و ایران کشورهای عمده واردات گاز از ترکمنستان بعد از روسیه هستند (www.eiu.com). اهمیت انرژی بدان حد است که قدرت‌های بزرگ و کشورهای مصرف‌کننده در زمره اهداف و امنیت ملی و برای

بالا بردن وزن ژئوپلیتیک خود، علاوه بر تأمین نیازهای داخلی‌شان کنترل بر چنین مناطق و کشورهای را برای نیل به اهداف ژئوپلیتیک مد نظر قرار می‌دهند (Akhbari et al.,2011: 92).

جدول ۴- کشورهای خریدار گاز ترکمنستان و میزان مصرف داخلی

مأخذ: فرجی‌راد، ۱۳۹۱: ۵

Source: Faraji rad,2012:5

خریدار خارجی / مصرف داخلی	حجم گاز قراردادی
روسیه	افزون بر ۱۱ میلیون مترمکعب
چین	۵ میلیون مترمکعب (تا پایان ۲۰۱۱ افزون بر ۱۳ میلیون مترمکعب)
ایران	مرحله اول ۶ میلیون مترمکعب، مرحله دوم ۱۲ میلیون مترمکعب
مصرف داخلی	حدود ۲۰ میلیون مترمکعب

شرکت اکسون موبیل در حوزه Nebitdag میدان Burun که اکنون در اختیار شرکت ایتالیایی انی است و همچنین پروژه Garashsyzlyk-۲ در ترکمنستان حضور داشت اما از ۲۰۰۲ فعالیت‌های خود را در ترکمنستان متوقف کرد. با این وجود، با روی کار آمدن دولت جدید ترکمنستان در ۲۰۰۶، این شرکت در نهایت در ۲۰۱۰ به دنبال رایزنی‌های رئیس‌جمهور ترکمنستان، دفتر خود را بازگشایی کرد. همچنین شرکت شورون مذاکرات خود را با ترکمنستان در خصوص توسعه میدان یولاتان جنوبی ادامه داد (Shadivand,2011:24). امروزه ترکمنستان با داشتن ذخایر گازی قابل توجه در بازار انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (Ansarirad,2001:196)؛ همچنین این کشور با برخورداری از ذخائر عظیم گاز و نفت، مدعی است که ثروتمندترین جمهوری شوروی سابق است (TaghaviAsl,2008:126). در زمینه بهره‌برداری از منابع گاز طبیعی در دریای خزر، مهم‌ترین منابع گاز طبیعی در اختیار ترکمنستان است. مهم‌ترین عامل برقراری ارتباط آمریکا و ترکمنستان، انرژی است. ایالات متحده برای انتقال گاز حوزه خزر، بار دیگر اجرای طرح

«ترنس خزر» که گاز ترکمنستان و کشورهای آسیای مرکزی را از طریق ترکیه به بازارهای جهانی انتقال می‌دهد مطرح کرده است. ترکمنستان و چین در فروردین ۱۳۸۵ در جریان سفر نیازاف به پکن، قرارداد همکاری در زمینه گاز طبیعی امضاء کردند. همچنین ساخت یک خط‌لوله به طول تقریبی ۲۶۰۰ کیلومتر که گاز ترکمنستان را از طریق ازبکستان و قزاقستان به ارومچی در غرب کشور چین منتقل می‌کند از ۲۰۰۷ آغاز شده است (HasanTash,2008:3). هزینه احداث این خط‌لوله حدود ۱۲ میلیارد دلار آمریکا برآورد گردید که شرکت ملی نفت چین و میتسویشی ژاپن سرمایه‌گذار آن می‌باشند (Safavi,2010:37). سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۰,۴۱۱ دلار و رشد تولید ناخالص داخلی آن ۱۱,۱ درصد بوده است. میزان تولید ناخالص داخلی ترکمنستان معادل ۵۴ میلیارد دلار در ۲۰۱۲ بوده است (www.uis.unesco.org). محور اصلی سیاست خارجی ترکمنستان انرژی است و استفاده از اهرم صادرات گاز در درجه نخست و در درجه دوم نفت، باعث شده تا این کشور تلاش کند به‌عنوان محوری برای مشارکت شرکت‌های چند ملیتی جایگاه خود را در معادلات سیاسی بیشتر کند (Beheshtipour, http://beheshtipour.blogfa.com). چنین کنش‌هایی در عرصه دیپلماسی انرژی، به ارتقای جایگاه ترکمنستان در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل کمک نموده است.

دیگر شاخص‌های اقتصادی کشور ترکمنستان، روند روبه‌رشدی را نشان می‌دهند. تولید ناخالص داخلی این کشور در ۲۰۰۶، بالغ بر ۱۶ میلیارد دلار بوده که نسبت به ۲۰۰۵ از رشد ۲۱ درصدی برخوردار بوده است (Sanaee,2011:33). تولید پنبه به ۱۳۰۰۰۰۰ تن در سال رسیده است. کارشناسان این جمهوری در زمینه افزایش کیفیت بذر پنبه به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند و چهارده نوع پنبه تولید می‌کنند. دامداری این منطقه از توسعه بسیار خوبی برخوردار است. صنایع این جمهوری حدود ۲۰٪ از تولید ملی را دربرمی‌گیرد و یک‌سوم این صنایع شامل ۶۱ مؤسسه در زمینه ریسندگی و پنبه‌پاک‌کنی و روغن‌کشی تخم پنبه فعال می‌باشند. یک‌سوم دیگر شامل ۳۸ مؤسسه دولتی در امور گاز و نفت و پتروشیمی و تولید برق فعال هستند (TaghaviAsl,2008:125). تغییر ساختار آموزشی و تقویت توانایی فکری، از

محورهای بااهمیت توسعه کشور ترکمنستان، به منظور رشد شاخص‌های اقتصادی و صنعتی بوده است. این کشور برای رسیدن به سطح استاندارد در اقتصاد، سعی کرد سطح علمی دانشگاه‌های خود را ارتقاء دهد و برای دستیابی به این منظور از ظرفیت دیگر کشورها نیز استفاده نمود (Sanaee, 2011: 31).

فعال‌سازی مسیریابی و مسیرسازی انتقال انرژی

بحث انتقال انرژی منطقه آسیای مرکزی / خزر و مسیرهای انتقال از مباحث مهم است. مشخص است که در مسیر کالای راهبردی انرژی قرار گرفتن، مزایا و فرصت‌های مختلفی برای کشورهای ذی‌نفع به همراه دارد، از جمله درآمدهای اقتصادی قابل توجه و نیز امتیازهایی که به لحاظ راهبردی و سیاسی در اختیار کشورهای معبر انرژی قرار می‌گیرد (Ahmadipour et al., 2011: 81). از آن‌جا که در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، مالکیت مسیر انتقال و کنترل مسیر خطوط انتقال انرژی مانند مالکیت بر انرژی، می‌تواند منافع راهبردی وسیعی مانند دسترسی به انرژی ارزان‌تر برای تأمین نیازهای داخلی، سرمایه‌گذاری‌های مطمئن، درآمدهای ترانزیتی قابل توجه و قدرت نفوذ بر جریان منابع انرژی و استفاده از آن به‌عنوان اهرم فشار سیاسی و امنیتی داشته باشد (ValiGholizade, 2012: 106). با استناد به نظریه‌هایی چون ثبات مبتنی بر توسعه، می‌توان یکی از شاخص‌های بنیادین قدرت هژمون در هر عصری را کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی دانست (Safavi, 2010: 43)؛ بنابراین، فعال‌سازی ژنوم مسیرسازی انتقال انرژی و نقش‌آفرینی در این عرصه، به ارتقای جایگاه کشورها در عرصه بین‌الملل کمک فراوانی می‌نماید.

در دوران شوروی صادرات گاز ترکمنستان از طریق سامانه‌ای موسوم به بند ناف فولادی انجام می‌گرفت؛ یعنی یک سامانه متحد خط‌گوله که تمام قلمرو شوروی را درمی‌نوردید. گاز تولیدشده در ترکمنستان از طریق خط‌گوله مرکز آسیای مرکزی، با گذر از ازبکستان و قزاقستان و روسیه، به بخش اروپایی شوروی جریان می‌یافت. سپس به خط‌گوله سیبری غرب اروپا متصل می‌شد که امکان می‌داد گاز تولیدشده در شوروی به دولت‌های اقماری در شرق اروپا و

نهایتاً به بخش غربی اروپا برسد. پس از استقلال نیز، درآمدهای حاصل از این بخش به‌عنوان عمده‌ترین نقطه اتکای ترکمنستان برای توسعه اقتصادی تلقی شد. اما مسأله‌ای که بلافاصله مطرح شد و به‌عنوان معضل کشور مورد توجه قرار گرفت، وابستگی به روسیه برای انتقال انرژی بود (Ataee, 2010: 91). چراکه پس از فروپاشی شوروی، این خط‌لوله در اختیار روسیه قرار گرفت و این امر سبب شد انتقال انرژی از ترکمنستان که تا آن زمان مسأله‌ای داخلی بود به موضوعی دیپلماتیک تبدیل شود و اهمیتی سیاسی و گاه امنیتی بیابد. از همین زمان، امنیت انرژی به محوری مهم در منطقه تبدیل شد. امنیت انرژی بیشتر به‌عنوان دسترسی به منابع انرژی مورد نیاز برای توسعه قدرت ملی تعریف می‌شود. جنبه‌های ژئوپلیتیک این استراتژی کلان، کنترل بر منابع انرژی و خطوط عرضه را پیش‌فرض می‌گیرد. تلاش‌های روسیه در جهت حفظ انحصار خود در انتقال انرژی از منطقه پیشین شوروی، از جمله ترکمنستان و واکنش‌های طرف مقابل که گاه حالتی تسلیم‌آمیز و گاه ضد انحصارطلبانه داشت تأثیر عمیقی بر روابط متقابل ترکمنستان با روسیه داشته (Kulaee, 2010: 106). این روند عملاً در تضاد با خواست رهبران ترکمن برای حداکثرسازی درآمد صادرات گاز و از آن طریق، بیشینه‌سازی منافع اقتصادی قرار می‌گرفت؛ به همین جهت آن‌ها به فکر خطوط لوله و مسیرهای جایگزین برای صادرات گاز خود افتادند. ترکمنستان از آن دسته کشورهای است که در این زمینه به‌خوبی به ایفای نقش پرداخته و دولت مردان آن متوجه موقعیت کم‌نظیر خود شده‌اند؛ بنابراین، تحرکات دیپلماسی خود را بر فعال‌سازی چنین ژنوم قدرت‌آفرینی، متمرکز نموده‌اند. گوناگونی خطوط انتقال انرژی، حکایت از بیدارسازی یک ژنوم جغرافیای پایه، می‌کند.

ایده بازسازی و پیگیری خط‌لوله تاپی و فعالیت در عرصه دیپلماسی انرژی، با ازبین‌رفتن طالبان در کابل در پایان سال ۲۰۰۲، از جانب سه کشور ترکمنستان، افغانستان و پاکستان، در دستور کار قرار گرفت. بانک توسعه آسیا متعهد به ساخت ۱۶۰۰ کیلومتر خط‌لوله گازی بود که ترکمنستان، افغانستان و پاکستان را به هم وصل می‌کرد؛ هند چهارمین کشوری بود که به پروژه تاپی در ۲۰۰۸ ملحق شد. این خط‌لوله از میدان گازی دولت‌آباد ترکمنستان به سمت آسیای جنوبی، به‌طول ۱۶۸۰ کیلومتر از ترکمنستان (۱۴۵ کیلومتر)، افغانستان (۷۳۵ کیلومتر) و

پاکستان (۸۰۰ کیلومتر) شروع، و به فازیلکا در هند ختم می‌شود و سالانه حدود ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی برای مصرف‌کنندگان در جنوب آسیا ترانزیت خواهد شد. برخی این پروژه را تحت عنوان چسب سحر و جادو یاد می‌کنند که جناح‌های پراکسی و متخاصم منطقه‌ای را به هم متصل می‌کند و منجر به افزایش همگرایی در بین کشورهای منطقه خواهد شد (Faraji rad, 2012:3). هرچند آمریکا به‌طور جدی از این طرح حمایت می‌کرد، اما روی کارآمدن طالبان و مشکلات تأمین امنیت خط‌لوله، باعث معلق ماندن این پروژه شد. تیره شدن روابط هند و پاکستان و کشف منابع گازی در پاکستان نیز مزید بر علت بود. با تغییر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، سرانجام موافقت‌نامه نهایی این خط‌لوله در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰ در عشق‌آباد به امضا رسید. طول این خط‌لوله گازی ۱۷۳۵ کیلومتر و ظرفیت انتقال آن ۳۳ میلیارد مترمکعب خواهد بود که با هزینه‌ای بالغ بر ۸ میلیارد دلار ساخته می‌شود (Ataee, 2010:93). خط‌لوله ماورای خزر در ۱۹۹۹ توسط آمریکا مطرح شد. آمریکا پس از کسب موفقیت در امضای موافقت‌نامه خط‌لوله نفت باکو / تفلیس / جیهان خواست که خط‌لوله یگازی را نیز به موازات آن بسازد. این طرح بر مبنای انتقال گاز ترکمنستان از زیر دریای خزر به آذربایجان، گرجستان، ترکیه و در نهایت به اروپا استوار بود. از نظر واشنگتن سیستم گسترده‌تر امنیت انرژی که حاصل مجاری بیشتر انتقال انرژی است، منافع دولت‌های محلی و سرمایه‌گذاران خارجی را بیشتر تأمین می‌کند (Shaymergenov, 2006:15). این طرح با هدف شکستن انحصار روسیه مطرح شد، ولی در کنار آن، هدف دیگر آمریکا، یعنی منزوی کردن ایران را نیز مورد توجه قرار می‌داد. مشخص نبودن رژیم حقوقی خزر و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از عبور خط‌لوله از بستر دریا از جمله عوامل مخالفت روسیه و ایران با این طرح است (Olcott, 2006:212).

پس از استقلال ترکمنستان، مسیری که توسط کارشناسان برای صادرات گاز ترکمنستان به اروپا از نظر تجاری و اقتصادی مناسب تشخیص داده شد، مسیر ایران و ترکیه به بازارهای اروپا بود. این خط‌لوله با توجه به روابط خوب ایران و ترکمنستان، برای ترکمنستان هم اولویت داشت. مذاکرات در مورد این خط‌لوله در ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ آغاز شد. هدف، ساخت خط‌لوله‌ای

به طول ۱۴۰۰ کیلومتر از ایران به بازارهای اروپا بود. ظرفیت این خطلوله ۲۸ میلیارد مترمکعب در نظر گرفته شد که از ترکمنستان و ایران تأمین می‌شد. اقدام‌های اولیه در این راستا در حال برنامه‌ریزی بود که ترکمنستان در ۱۹۹۶ ناگهان خود را از پروژه کنار کشید. دلیل آن، تلاش آمریکا برای منزوی کردن ایران بود. اما ایده ساخت یک خطلوله ترکمن/ایرانی وجود داشت و سبب شد که قرارداد خطلوله کرپژ/کردکوی به امضا برسد (Kulaee,2010:110). همزمان با افتتاح خطلوله گازی ترکمنستان و چین، خطلوله جدید دولت آباد/سرخس/خنجیران از میدان گازی دولت آباد در جنوب شرقی ترکمنستان به ایران در ۶ ژانویه ۲۰۱۰ افتتاح شد (Victor, jaffe & Hayes,2006: 213). افتتاح این خطلوله غیر روسی، توانست انحصار روسیه را به چالش بکشد.

جدول ۵- خطوط انتقال انرژی پیشنهادی و در دستور کار ترکمنستان

مأخذ: فرجی‌راد، ۱۳۹۱: ۶

Source: Faraji rad, 2012:6

خطلوله	مسیر
خطلوله نابوکو	آذربایجان، گرجستان، ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان، اتریش
خطلوله ترانس خزر	ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان
خطلوله شرق - غرب	شتلیک در بخش شرقی به بلیک در بخش غربی ترکمنستان
خطلوله ساحلی دریای خزر	ترکمنستان، قزاقستان، روسیه

راهبرد خشی‌سازی چالش عدم دسترسی به آب‌های آزاد

عدم دسترسی مستقیم ترکمنستان به آب‌های آزاد از معضلاتی است که صادرات کالا و منابع انرژی این کشور را با مشکل مواجه ساخته است (Alipour,2009:93). ترکمنستان اقدام به تهیه زیرساخت‌های لازم نموده است، مانند ساخت یک فرودگاه بزرگ، اتصال خطوط راه‌آهن این کشور به خط راه‌آهن ایران، بازسازی بندر ترکمن‌باشی، احداث هتل بین‌المللی و بازسازی و توسعه راه‌ها (Zeinalabedin,2013:114). عدم دسترسی ترکمنستان به آب‌های آزاد، باعث شده است مسیر ارتباطی ایران برای ترکمنستان حائز اهمیت شود (Ataee,2010:81). توسعه صنعت حمل‌ونقل ریلی

از راهبردهای خشی سازِ محصوریت در خشکی است. امروزه مهمترین وسیله حمل و نقل در ترکمنستان، راه آهن است. خط آهن اصلی در غرب، از ترکمن‌باشی در کناره خزر آغاز می‌شود و با گذر از عشق‌آباد و مرو و چارجو، در مشرق به شبکه راه آهن ازبکستان می‌پیوندد. در ۱۹۹۶ نیز با افتتاح راه آهن تاجن / سرخس / مشهد به شبکه راه آهن ایران متصل شد و به نزدیک‌ترین دریای آزاد، یعنی خلیج فارس دسترسی پیدا کرد. راهبرد گشایش بازارچه‌های مرزی دیگر مورد مهم است. اولین نقطه که در مرز ایران و ترکمنستان گشایش یافت، نقطه مرزی «باجگیران / گودان (هودان)» در دی ۱۳۷۰ بود (Mohammadpour, 2006: 150). بعد از بازگشایی مرز، با موافقت دو کشور، مسیر باجگیران / عشق‌آباد بازسازی شد. دولت ترکمنستان به منظور جذب سرمایه‌های خارجی به ایجاد مناطق آزاد تجاری در هفت منطقه دست زد و معافیت‌هایی برای تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در نظر گرفت. نیز استراتژی تبدیل ترکمنستان به مرکز ترانزیت آسیای مرکزی قابل ذکر است. این سیاست با توجه به موقعیت جغرافیایی ترکمنستان، واقع شدن در مسیر جاده ابریشم، مجاورت با خزر و امکان ارتباط با خلیج فارس و اقیانوس هند از طریق ایران و پاکستان پی‌گیری می‌شود (Sanaee, 2011: 31). رهبری ترکمنستان پس از استقلال، بخش انرژی و درآمدهای حاصل از آن را به عنوان محور توسعه مورد توجه قرار داد. روسیه، انحصار خطوط لوله در آسیای مرکزی را در اختیار دارد؛ بنابراین، ارتباط مستقیم ترکمنستان با بازارهای مصرف را غیرممکن و به ابزاری سیاسی و اقتصادی برای روسیه جهت اعمال فشار بر این کشور تبدیل کرد. ترکمنستان برای جذاب کردن سرمایه‌گذاری در بخش گاز، برای سرمایه‌گذاران غربی و نیز کاهش وابستگی به روسیه، یافتن مسیرهای جدید برای صادرات گاز را مورد توجه قرار داد (Kulace, 2010: 109).

راهبرد توسعه روابط سیاسی با محوریت تنش‌زدایی

فروپاشی شوروی، فرصتی را پدید آورد تا تعاملات سیاسی این کشور با دیگر کشورها بر اساس تنش‌زدایی گسترش یابد. ترکمنستان در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ به عضویت جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و در ۱۹۹۲ به عضویت سازمان ملل، اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول درآمد و با پیشنهاد خود و رأی موافق ۱۸۱ عضو مجمع عمومی

سازمان ملل، در دسامبر ۱۹۹۵ به‌عنوان دولت بی‌طرف شناخته شد (Hafeznia,2003:113). ترکمنستان در دوران نیازأف عنایت ویژه‌ای به همسایگان نشان داد. به‌گونه‌ای که علی‌رغم فشارهای مختلف، روابط ترکمنستان با ایران در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی در سطح قابل قبولی پیشرفت. این مسأله به‌ویژه در مورد رژیم حقوقی دریای مازندران بسیار مهم بود؛ چراکه ترکمنستان با اتخاذ موضعی واقع‌بینانه تلاش کرد مانند آذربایجان و قزاقستان، جداگانه با روسیه وارد معامله نشود؛ بلکه، ضمن تأکید بر منافع ملی، بر تفاهمی همه‌جانبه بین ۵ کشور ساحلی دریای مازندران تأکید داشت. ترکمنستان با افغانستان و ازبکستان و تاجیکستان نیز روابط گسترده‌ای را در پیش گرفت که طرح‌های ارسال گاز به افغانستان و پاکستان و دریای‌های آزاد و هندوچین از آن نمونه بود. ترکمنستان از همان زمان که به فکر مسیرهای جایگزین انتقال انرژی بود، سعی داشت تا در هر طرح، حداقل یکی از اعضای اکو را وارد کند (Ataee,2010:102).

پس از فروپاشی شوروی، برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، مانند ازبکستان و ارمنستان، تلاش کردند تا یا پیوندهای خود را با روسیه مستحکم و امنیت و اقتصاد خود را تضمین کنند، یا مانند آذربایجان، با یافتن شرکای جدید و بیشتر غربی، هم خود را از سلطه روسیه دور سازند و هم کمبودهای حاصل از جدایی از مسکو را، جبران کنند. این جریان در کشورهایی که از ذخایر طبیعی نیز برخوردار بودند بیش از دیگران مشخص بود. آذربایجان با دعوت شرکت‌های غربی و بستن قراردادهای بلندمدت در این راه گام برداشت (Pomfert,2003:75). قرقیزستان به‌واسطه برخی سیاست‌ها خود را تا میزان زیادی تحت حمایت غرب قرار داد. ترکمنستان با به‌کارگرفتن رویکردی منحصربه‌فرد، تلاش کرد تا حد ممکن خود را از هر گونه اتحاد منطقه‌ای و بین‌المللی خارج نگاه دارد و از به‌کارگرفتن سیاست خارجی چالش‌انگیز با همسایگانش خودداری کند. نیازأف با کاربست سیاست بی‌طرفی دائم، تلاش کرد تا با جدانگاه‌داشتن خود از اتحادها و ائتلاف‌های تنش‌زا از هر اقدامی که امکان داشت جریان صادرات گاز ترکمنستان را به خطر بیندازد دوری کند. محصوربودن ترکمنستان در خشکی و نیز نیازمندبودن صادرات گاز به احداث خطوط لوله منجر به وابستگی شدید درآمدهای ترکمنستان به روابط با کشورهای همسایه شد. ترکمنستان تلاش کرد سیاست

خارجی خود را به شکلی تنظیم کند که هیچ‌گونه تشنجی را با همسایگانش ایجاد نکند. نیاز آف حتی تلاش کرد تا با کنار گذاشتن اختلاف‌های قومی و مرزی تاریخی با همسایگانش تا حد امکان خود را از تنش‌های منطقه‌ای جدا نگاه دارد. روابط خوب ترکمنستان با ایران، روسیه و سایر کشورهای منطقه در کنار به‌کارگرفتن سیاست‌های احتیاط‌آمیز در ایجاد رابطه با غرب و آمریکا، حاکی است که نیاز آف از ایجاد هرگونه تشنجی در منطقه دوری می‌کرد. ترکمنستان با اتخاذ استراتژی انزوای طلبی، تلاش کرد تا از راه جدانگاه‌داشتن خود از نظام بین‌الملل هم خود را از درگیری‌های موجود در این عرصه دور نگاه دارد و هم این‌که از به‌نمایش درآوردن ساختار بسته سیاسی کشورش که ممکن بود منجر به ایجاد فشارهای بین‌المللی برای تعدیل آن شود دوری کند (Ataee, 2010: 107). ترکمن‌ها، با نیم‌نگاهی به الگوی سویسی بی‌طرفی، با اجرای سیاست بی‌طرفی مطلق، تلاش کردند از میزان تهدید علیه حاکمیت خود بکاهند و منافع ملی ترکمنستان را با ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران در سایه ثبات سیاسی به‌دست آورند.

با روی کار آمدن بردی محمداف در روند بی‌طرفی مطلق نیاز آف تغییراتی حاصل شد. او در راستای سیاست چندجانبه‌گرایی خود اهمیت بیشتری برای همکاری‌های بین‌المللی قائل شده است. دولت ترکمنستان با حضور فعال در کنفرانس‌های بین‌المللی می‌کوشد تا نظر سرمایه‌داران خارجی را به فعالیت در این کشور جلب نماید (Sanacee, 2011: 32). حذف اصل بی‌طرفی دائم ترکمنستان از قانون اساسی و حذف آن از سرود ملی کشور، شرکت در نشست ناتو و دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا، شرکت فعال در نشست سازمان پیمان شانگهای و ایجاد بحران در روابط گازی با ایران نشانه‌هایی از تمایل ترکمنستان به ایفای نقش جدید در سیاست منطقه‌ای و جهانی است (Ataee, 2010: 107). ترکمنستان، تا به حال علاقه‌ای به عضویت در اتحادیه‌های سیاسی یا نظامی نداشته است. روابط خارجی ترکمن‌ها از رنگ‌وبوی ایدئولوژیک مبرا است (Pourmehrani, 2009: 103). به‌عنوان مثال، تا ۱۹۹۳ هزاران نفر از افسران گارد روسیه مرز بین ترکمنستان و افغانستان را با توجّه به معاهدات خاص دوجانبه، کنترل می‌کردند. اما در ۱۹۹۹ دولت ترکمنستان تصمیم گرفت از این پیمان‌ها خارج گردد و نیروی نظامی روسیه را اخراج نماید. همچنین روابط دوستانه‌ای با افغانستان برقرار نمود و تلاش کرد به‌عنوان میانجی بین دو طرف متضاد طالبان و حکومت افغانستان میانجی‌گری نماید

(Samuylov, 2001: 56). روابط با روسیه مورد بازنگری قرار گرفت و با پایان یافتن قرارداد همکاری نظامی با روسیه در دسامبر ۱۹۹۹، این قرارداد تمدید نشد و حضور نظامی روسیه در ترکمنستان به پایان رسید. در مورد حفاظت از خطوط مرزی نیز، قراردادهایی که برای حفاظت مشترک از مرزها امضا شده بود، در ۲۰ مه ۱۹۹۹ با اعلام وزارت خارجه ترکمنستان لغو شد (Kulaee, 2010: 116). در قانون اساسی ترکمنستان هیچ دینی، دین رسمی اعلام نشده که نشانگر تأکید بر جدایی دین از سیاست است (Sanacee, 2011: 274). این امر در عرصه داخلی توانسته است از بروز تنش‌های مذهبی جلوگیری نماید.

کمبود منابع آبی

ترکمنستان با محدودیت منابع آب روبه‌رو است؛ دارای اقلیم خشک و بری است و چهارپنجم مساحت آن را صحرای قره‌قوم تشکیل می‌دهد. به جز در نوار بسیار کوتاه و کم‌وسعت کوه‌های کپه‌داغ و پاراپامیز، هیچ رودخانه‌ای در وسعت ۴۸۸۱۰۰ کیلومترمربعی آن شکل نمی‌گیرد. شرایط آب‌وهوایی در استمرار تولید پنبه، که به آبیاری منظم نیازمند است تنگناهای جدی به وجود می‌آورد. ترکمنستان نه تنها محاط در خشکی است، بلکه به‌طور کامل به آب‌های ورودی وابسته است. آمودریا و مرغاب از افغانستان و هریرود و اترک از ایران وارد این کشور می‌شوند. وابستگی به آب‌های ورودی، مدتی است مقامات ترکمنستان را به چاره‌اندیشی برای مدیریت آب و جلوگیری از هدر رفتن آن سوق داده است (Sinacee, 2011: 196). از ۲۸ میلیارد مترمکعب آب مصرفی سالانه کشاورزی در ترکمنستان، ۱۴ میلیارد مترمکعب هدر می‌رود (www.ima.ir/News/Id=۱۲۵۴۴۶/view/full_story). کویری بودن ۸۰٪ سرزمین و فقدان منابع آبی برای کشاورزی موجب شده که قریب به اتفاق مراکز کشاورزی در حوزه آمودریا و کانال قره‌قوم قرار گیرند و سایر مناطق با مشکلات زیادی در امر کشاورزی و دامپروری مواجه گردند.

نتیجه‌گیری

اتخاذ موضع بی‌طرفی، حاشیه‌ای امن در راستای فعالیت ژنوم‌های قدرت‌آفرین در اوایل استقلال کشور ترکمنستان مهیا نمود. اما تداوم چنین سیاستی در عرصه سیاست خارجی،

موجب غیرفعال شدن ژنوم‌های قدرت‌آفرین می‌گشت. بنابراین با تدبیر بردی‌محمداف این سیاست کنار گذاشته و شرایط برای فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین مهیا شد و دولت‌مردان ترکمنستان اقدام به شناسایی توان‌های اقتصادی، توانمندی‌های ژئوکالچر، وضعیت و موقعیت ژئواستراتژیک و چالش‌های هیدروپلیتیک خود نمودند. در گام بعدی سیاست فعال‌سازی ژنوم‌های متناسب با هر بخش اتخاذ شد؛ بهره‌مندی از منابع گازی و نفتی، منجر به فعال‌سازی ژنوم جایگاه‌یابی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و مسیریابی انتقال انرژی گردید. در بخش ژئوکالچر، ژنوم نمادسازی و نمادپردازی فرهنگی به‌منظور استحکام هویت ملی و بازشناسی واقعیت‌های تاریخی فعال شد. نیز در ارتباط با خاموش‌سازی وضعیت بحرانی کمیابی منابع آبی، راهبرد همکاری با کشورهای افغانستان و ایران در دستور کار قرار گرفت. باتوجه به موقعیت ژئواستراتژیک ترکمنستان به‌عنوان دروازه ورود به آسیای مرکزی و همجواری با ایران و در فاصله اندک با روسیه و گرایش آمریکا به‌منظور نفوذ در این منطقه، اتخاذ موضع بی‌طرفی کارساز بود. از دیگر چالش‌های ترکمنستان، عدم دسترسی به آب‌های آزاد است که در قالب فعال‌سازی ژنوم‌هایی از قبیل پیوند راه‌آهن این کشور با ازبکستان و ایران، جذب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی خارجی، رونق‌بخشی بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری سعی شد بر این معضل ژئوپلیتیک غلبه شود. دو جدول و یک مدل، دستاورد نهایی نوشتار است.

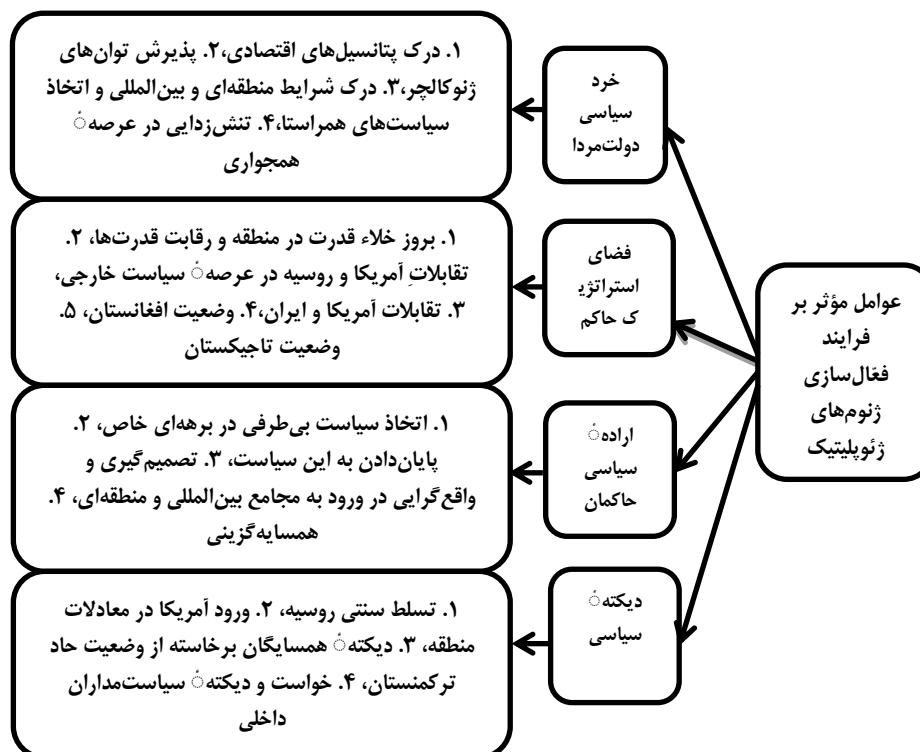
جدول ۶- خاموش‌سازی ژنگان قدرت‌زدا

راهبردهای خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا	ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا
متنوع‌سازی گزینه‌های صادرات گاز	محدودیت‌های زیرساختی و انحصار انتقال گاز توسط روسیه
صدور مجوز فعالیت شعبه‌های ارزی خارجی و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی	قوانین دست‌وپاگیر مالیاتی برای فعالیت شرکت‌های خارجی
فعال‌سازی مسیریابی و مسیریابی انتقال انرژی	محصوربودن در خشکی و انحصار روسیه بر خطوط انتقال انرژی
توسعه اقتصادی (نفت و گاز، کشاورزی، نساجی و بخش خصوصی)	نظام بسته اقتصادی
پایان سیاست انزوای خودخواسته و حضور فعال در مجامع بین‌المللی	انزوای در سیاست خارجی

جدول ۷- بیدارسازی ژنگان توانمندساز سیاست خارجی

راهبردهای فعال‌سازی ژنوم‌های بالقوه قدرت‌آفرین	ژنوم‌های بالقوه قدرت‌آفرین
فعال‌سازی نمادهای فرهنگی بزرگداشت مشاهیر فرهنگی و وقایع تاریخی	پیشینه فرهنگی
فعال‌سازی پروسه تحکیم هویت ملی نمادپردازی ملی در فضاهای شهری	عدم تنوع قومی و مذهبی گسترده
جایگاه‌یابی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل	پتانسیل‌های اقتصادی
تنش‌زدایی با همسایگان و جذب بازیگران منطقه‌ای گسترش راه‌های مواصلاتی با همسایگان	موقعیت مناسب‌تر نسبت به جمهوری‌های آسیای مرکزی
اعلام سیاست بی‌طرفی در عرصه بین‌الملل با تثبیت شرایط داخلی افزایش توان چانه‌زنی در عرصه خارجی	خلأ قدرت در منطقه
عنایت ویژه در سیاست خارجی به همسایگان همراه با تنش‌زدایی	موقعیت استراتژیک (دروازه ورود به آسیای مرکزی)

مدل ۴- فعال‌سازی ژنگان ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ترکمنستان



کتابنامه

- Ahmadi Pour, Z. et al. (2011). Explained the geopolitical formation of regional organizations in the field of geopolitics in the caspian/central Asia. *Spheres of Security*, 12. [In Persian]
- Ali Pour, M. R. (2009). The development of economic cooperation between Islamic Republic of Iran and Turkmenistan horizons. *Events and Analysis*, 234. [In Persian]
- Asian Development Outlook (2014). Turkmenistan, Fiscal Policy for Inclusive Growth. <http://www.adb.org/countries/turkmenistan/economy>
- Ataee, F. & Azizi, H. R. (2010). The role of energy factor in relations between Iran and Turkmenistan. *Political and International Studies*, 3, 745-758. [In Persian]
- Ataee, F. & Shojaaee, M. K. (2010). Continuity and change in domestic and foreign policy course of Turkmenistan Gurbanguly Berdi muhamedov. *Central Eurasian Studies*, 6, 97-110. [In Persian]
- Behishtipur, H. (2011). The principle of neutrality of Turkmenistan's Foreign Policy. Retrieved from: <http://beheshtipur.blogfa.com/post-348.aspx>, 27 avalanches. [In Persian]
- Behzadi, R. (2001). Symbol in the mythology: The culture of the symbolic figures in the heart of east and west, *Monthly Art*, 35-36, 52-56. [In Persian]
- Boss helsoop, H. (2003). The Caspian states of the former Soviet Union; Economic performance since 1998, In S. N. Cumming (Ed.), *Oil, transition and security in central Asia*. London and New York: Routledge.
- Dehghani Firozabadi, S. J. (2006). Iranian foreign policy discourse in central Asia and the Caucasus. *IRAS*, 1(2), 114-133. [In Persian]
- Dehshiri, M. R. (2009). Media and culture. *Cultural Studies*, 2(8). 179-208. [In Persian]
- Department of Justice (1993). *Alert series Turkmenistan, political conditions in the post-soviet era*, Washington .D.C: INS Resource Information Center.
- DeSalle, R. & Yudell, M. (2012). *Welcome to the genome: Auser's guide to the genetic past, present, and future*, (3rd Ed.). (Trans .A.tavakolisaberi). Tehran: Maziyar Publications. [In Persian]
- Ekhbari, M. et. al. (2011). America's efforts to stabilize Iran's geopolitical hegemony in the world. *The Study of Human Geography*, 75, 87-112. [In Persian]
- Farajirad, A. & Moradi, H. (2012). Energy geopolitics in central Asia and its impact on regional and trans-regional competition. *Proceedings of the Fifth Congress of Iran's geopolitical*, 3 and 4, Khordad. Rasht: Islamic Azad University of Rasht. [In Persian].
- Fayaz, I., & Sarfaraz, H. & Ahmadi, A. (2011). Semiotics of cultural perspectives in cultural geography: The strategic concept for understanding and discovery of the meaning. *Cultural Studies*, 4(4), 91-116. [In Persian]

- Ganzi, G. (2004). Turkmenistan's Caspian Resources and its international political economy, In S. Akiner (Ed.), *The Caspian: Politics, energy and security*. 162-196. London and New York: Routledge.
- Hafeznia, M. R. (2003). The cultural heritage of Turkmenistan in shaping national Identity. *Lecturer in the Humanities*, 7(2), 109-123. [In Persian]
- Kahveci, H. (2003). Oil and gas sector in the Post-Soviet Turkmenistan: Opportunities and challenges. Retrieved from: <http://www.obiv.org.tr/2003/AVRASYA/hkahveci.pdf>, (accessed on 7 / 12 / 2009).
- Koolae, E. and Azizi, H. R. (2010). The role of Energy Transfer in Turkmenistan's relations with Russia. *Central Eurasian Studies*, 7, 125-105. [In Persian]
- Koolae, E., & Tishehyar, M. (2009). China's energy security approach in the Central Asia. *Proceeding of International Conference on Eurasian Peace and Cooperation: Challenges and Opportunities*. Kashmir: University of Kashmir, 1-18. [In Persian]
- Lewin, B. (2004). *Gene*. (Trans. H. Bastian & M. Piroz). Tehran: Imam Hossein University. [In Persian]
- Mohammadpuor, A. et al. (2006). The role and function of the evolution of the geographical space border tax department on the border with Iran and Turkmenistan, *Professor of Human Sciences*, 48, 147-172. [In Persian]
- Motagi, I. et al. (2013). Developments in the Arab world: Climate change, geopolitics to geo-culture of strategic security new security, *Defense Policy*, 12(83), 69-97. [In Persian]
- Olcott, M. B. (2006). *International Gas trade in central Asia: Turkmenistan, Iran, Russia and Afghanistan, natural gas and geopolitics from 1970 to 2040*. New York: Cambridge university press.
- OPEC (Organization of the Petroleum Exporting Countries). (2013). Annual Statistical Bulletin. Retrieved from http://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/publications/ASB2015.Pdfs
- Pomfret, R. (2003). *Central Asia since 1991: The experience of the new independent states*, Paper Presented in an Informal Seminar at the Organization for Economic Cooperation and Development on 19th. Feb.
- Pourahmadi, H. (2011). The feasibility and impact of the organization of gas exporting countries (Avjk) on convergence and improve security, power and other benefits of the Gas Exporting Countries, *Foreign Affairs*, 4, 7-52. [In Persian]
- Purmhrany, M. (2009). *Iran's Geopolitical Challenges in the External Borders*, Presented in Tehran innovation, (n.p.): (n.p.). [In Persian]
- Safavi S.Y. & Mahdian, H. (2010). Iran's energy geopolitics and energy security of the east, *Human Geography*, 2, 31-46. [In Persian]
- Samuylov, M. Sergei (2001). *The Ethnic-Cultural-Geopolitical approach to formation of the new limited Russia's Security System within a Post-Soviet space*, final report of the project. Moscow: (n.p.).

- Sanaee, M. (2011). *Iran and central Asia: Trends and prospects*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
- Shadivand, GH. (2011). An analysis of the US presence in the Persian Gulf and the Caspian Sea oil and Gas resource, *Journal of the Association for Energy Economics*, 146-145, 1-6. [In Persian]
- Shaymergenov, T. (2006). Geopolitics and energy diplomacy in central Asia and the Caspian. *Central Asia and the Caucasus*, 41, (5)1-13.
- Sinai, V. (2011). Hydro, water security and development cooperation between Iran, Afghanistan and Turkmenistan. *Foreign Affairs*, 2, 185-212. [In Persian]
- TaghaviAsl, S. (2008). *Iran's new geopolitics of Kazakestan to Georgia* (3rd Ed.). Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
- Turkmenistan Country Report (2012). BTI 2012 / Turkmenistan Country Report. Gütersloh: BertelsmannStiftung, <http://www.bti-project.org>.
- ZeynelAbedin, U. & Saber, Z. (2013). Iran's geopolitical interests in the fields of Azerbaijan and Turkmenistan using matrix measure. *Geopolitics*, 9, 108-135. [In Persian]